**مشرق الاذکار**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " يا ملأ الإنشآء عمّروا بيوتا بأكمل ما يمكن في الإمكان باسم مالك الأديان في البلدان وزيّنوها بما ينبغي لها لا بالصّور والأمثال  ثمّ اذكروا فيها ربّكم الرّحمن بالرّوح والرّيحان ألا بذكره تستنير الصّدور وتقرّ الأبصار " (كتاب اقدس – بند 31)

2 - " طوبى لمن توجّه إلى مشرق الأذكار في الأسحار ذاكرا متذكّرا مستغفرا وإذا دخل يقعد صامتا لإصغآء آيات الله الملك العزيز الحميد  قل مشرق الأذكار إنّه كلّ بيت بني لذكري في المدن والقرى كذلك سمّي لدى العرش إن أنتم من العارفين " (كتاب اقدس – بند 115)

3 - " علّموا ذرياتكم ما نزّل من سمآء العظمة والاقتدار ليقرئوا ألواح الرّحمن بأحسن الألحان في الغرف المبنيّة في مشارق الأذكار "

(كتاب اقدس – بند 150)

4 - " سؤال : از ذکر در مشرق الاذکار فی الاسحار.

جواب : اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده ولکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی اللّه مقبول است. " (رساله سؤال و جواب، 15)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " ای عاشقان روی حق دوستان را محفلی بايد و مجمعی شايد که در آن مجامع و محافل بذکرو فکر حق و تلاوت و ترتيل آيات و آثار جمال مبارک روحی لاحبّائه الفداء مشغول و مألوف گردند و انوار ملکوت ابهی و پرتو افق اعلی بر آن مجامع نوراء بتابد و اين محافل مشارق اذکار است که بقلم اعلی تعيين و مقرّر گرديده است که بايد در جميع مُدُن و قراء تأسيس شود و چون تقرّر يابد مجامع خصوصی منسوخ شود ..." (ص ١٤٨ ج ٤ امر و خلق)

و بعد از امر بمراعات حکمت و مقتضيات زمان و مکان ، ميفرمايند:

2 - " مقصود اينست که در شريعت الهيّه محلّ عبادت و مجمع تلاوت عمومی مشرق الاذکار است و بس و او ناسخ جميع مجامع و محافل عبادتيّه ولی محافل معارف و مجامع خيريّه و مجالس شوريّه و محاضر نافعه نيز جايز بلکه لازم و واجب ..."

(ص ٩-١٤٨ ج ٤ امرو خلق)

3 - " مشرق الاذکار مطلع الانوار است و مجمع ابرار . نفوس نفيسه چون در آن مجامع ملکوتيّه اجتماع نمايند و نماز آغاز کنند و ببدايع الحان ترتيل آيات گردد و ترنيم مناجات ،اهل ملأ اعلی استماع نمايند و فرياد يا طوبی و يا بُشری برآرند که الحمدللّه در ملأ ادنی نفوسی از ملائکه ملکوت ابهی بمناجات و دعا قيام نمودند و در محفل تقديس ترتيل آيات مينمايند ".

(ص ٢٣١ گنجينه حدود و احکام)

4 - " مشرق الاذکار مغناطيس تاييد پروردگار است . مشرق الاذکار ا سّ اساس عظيم حضرت آمرزگار. مشرق الاذکار رکن رکين آئين گردگار. مشرق الاذکار تاسيسش سبب اعلاء کلمة اللّه . مشرق الاذکار تهليل و تسبيحش مفرّح قلوب هر نيکوکار. مشرق الاذکار نفحات قدسش روخ بخش کلّ ابرار . مشرق الاذکار نسيم جانپرورش حيات بخش عموم احرار. مشرق الاذکار مصابيحش مانند نور صباح روشنی آفاق است . مشرق الاذکار آهنگش مفرح ارواح ملأ اعلی است . مشرق الاذکار ترتيل آيات توحيدش سبب سرور و حبور اهل ملکوت ابهی است اليوم اعظم امور و اتمّ خدمات در آستان مقدّس الهی تأسيس مشرق الاذکار است ولی نه بقسمی که مخالف حکمت واقع شود ". (ص ١٥٠-١٤٩ج ٤ امر و خلق)

5 - " مدّتی بود که عبدالبهاء را آرزو چنان که در آنسامان مشرق الاذکار بنيان گردد الحمدللّه بهمّت دوستان اين ايّام مباشرت گرديده اين خدمت در آستان حضرت احديّت بسيار مقبول زيرا مشرق الاذکار سبب روح و ريحان احباءاللّه و ثبوت و استقامت اصفياست . اين مسأله بسيار مهمّ است .... حتّی در هر دهکده ای بايد محلّی مشرق الاذکار باشد ولو تحت الارض حال شما الحمدللّه موفّق بآن شديد که تاسيس نمائيد و در اسحار باذکار مشغول گرديد و بتسبيح و تحليل قيام نمائيد "

(ص ٩٢ ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

6 - " در اين ايّام اهميّت حاصل نموده است و فرض عين گشته که در هر دهکده که دو نفر احبا باشند بايد مشرق الاذکار تعيين شود ولو زير زمين باشد تا د رمستقبل نتائج مستحسنه مشاهده گردد". (ص ١٥١ ج ٤ امر و خلق)

7 - " مشرق الاذکار هر چند بظاهر بنيان جسمانيست ولی تاثير روحانی دارد و سبب الفت قلوب و اجتماع نفوس گردد. در ايّام ظهور هر مدينه ای که د رآن معبدی تأسيس شد سبب ترويج و تثبيت قلوب بود و سبب اطمينان نفوس زيرا در آن اماکن ذکر حقّ مستمر و دائم بود و از برای قلب سکون و قرار جز بذکر ربّ مختار نه . سبحان اللّه بنای مشرق الاذکار تأثيری عظيم در جميع مراتب دارد. در شرق تجربه شد و چنين ظاهر و آشکار گشت . حتّی اگر در قريه ای خانه ای مسمّی بمشرق الاذکار گشت تأثيری ديگر داشت تا چه رسد به بنا و تأسيس آن ". (ص ٩٣ ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

8 - " تبديل محلّ مشرق الاذکار بمحلّی احسن و اعلی جائز . تعدّد مشرق الاذکار در بلده واحده مقبول "

(ص ٢٣٤ گنجينه حدود و احکام)

9 - " مشرق الاذکار مدور و دائره شکل است ٩ خيابان ٩ باغچه ٩ حوض با فوّاره های آب و ٩ دوازه در اطراف دارد و هر خيابانی بمحلّی ميرود مثل محلّ ايتام - دارالشّفاء - مدرسه ابتدائی و کليّه و امثال اينها که از لوازم مشرق الاذکار است . داخل مشرق الاذکار ارغنون و غرفات خواهد بود و کرسی خطابه مخصوص مناجات و عبادت ولی خطابه هم در آنجا ميتوان داد ". (ص ٣٥٢ ج ١ بدائع الآثار)

10 - " مشرق الاذکار بايد مقدّس از صندوق و خزانه باشد ولی در محلّی مخصوص بجهت اعانه اگر صندوقی گذاشته باشد باسی نيست و اين قرار راجع به بيت عدل عمومی است و نقود صندوق اعانه بايد بقرار داد بيت العدل صرف شود ".

(ص ١٥٢ ج ٤ امر و خلق)

11 - " مشرق الاذکار از اعظم تأسيسات عالَم انسانيست و تفرّعاتش بسيار است . مشرق الاذکار اگرچه محلّ عبادت است ولکن مربوط به اسپيتال و اجزا خانه و مسافرخانه و مکتبِ اطفالِ ايتام و مدرسه تدريس علوم عاليه است . هر مشرق الاذکار مربوط باين پنج چيز است اميدوارم که در آمريک حال مشرق الاذکار تأسيس شود و بتدريج اسپيتال و مکتب و مدرسه و اجزا خانه و مسافرخانه نيز در نهايت انتظام ترتيب يابد. بياران الهی اين تفصيل را بفهمانيد تا بدانند که مشرق الاذکار چقدر مهمّ است . مجرّد عبارت از محلّ عبادت نيست بلکه از هر جهت مکمل است ".

(ص ٩٧ ج ١ منتخباتی از مکاتيب حضرت عبدالبهاء ط آمريکا)



**بیت العدل:**

1 - " معبد بهائی مختصّ به ستايش و عبادت حقّ است . اين معبد بنای مرکزی مشرق الاذکار است که در آتيه علاوه بر محلّ عبادت شامل ملحقاتی خواهد بود که به فعّاليتهای اجتماعی ، بشر دوستی ، تربيتی و علمی اختصاص خواهد داشت . حضرت عبدالبهاء مشرق الاذکار را از اعظم تأسيسات عالم انسانی توصيف می فرمايند ، و حضرت وليّ امراللّه آن را نمونه بارزی از ارتباط و امتزاج عبادت حقّ و خدمت به خلق معرّفی می فرمايند . در جای ديگر نظر مبارک را به آتيه اين مشروع معطوف داشته می فرمايند که معبد بهائی و متفرّعات آن عاجزان را آسايش بخشد ، فقرا را دستگير شود ، مسافران را مأوی دهد ، غم زدگان را تسلّی عطا کند و نادانان را تربيت نمايد . (ترجمه) در مستقبل ايّام در همه مدن و قری معابد بهائی بنا خواهد شد "

(كتاب اقدس – شرح 53)

2 - " در باره توجّه به مشرق الاذکار در اسحار حضرت بهاءاللّه می فرمايند : اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده ولکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی اللّه مقبول است (سؤال و جواب ، فقره ١٥) " (كتاب اقدس – شرح 142)

3 - " سابقه اين احکام در کتاب بيان فارسی است . حضرت اعلی ارتقاء بر منابر را به منظور موعظه و اداء خطابه يا تلاوت آيات نهی و به جای آن دستور فرموده‌اند که به جهت شخص ناطق صندلی بر سريری نهاده شود تا کل بتوانند آيات الهی را به وضوح استماع نمايند . حضرت عبدالبهاء و حضرت وليّ امراللّه در تبيين اين حکم می فرمايند که در مشرق الاذکار موعظه ممنوع و فقط تلاوت آيات الهی جايز است . افراد مختارند در حال نشسته يا ايستاده آيات را تلاوت نمايند و برای اينکه آيات بهتر استماع شود ، می توانند از سرير کوتاه قابل انتقالی استفاده کنند ولی وجود منبر جايز نيست . در مورد جلساتی که در محلّی غير از مشرق الاذکار منعقد می گردد ناطق يا خواننده می تواند نشسته يا ايستاده باشد و يا از سرير استفاده نمايد . حضرت عبدالبهاء در يکی از الواح مبارکه ، پس از تأکيد حرمت استفاده از منبر می فرمايند که در مجامع احبّای الهی ناطقين بايد در کمال محويّت و خضوع و خشوع تکلّم نمايند " (كتاب اقدس – شرح 168)

****